تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۲

طرح اندیشهٔ مهدویت از سوی امام باقر علیه‌السلام

امیر غنوی*

چکیده

این نوشتار در ادامهٔ مقالات گذشته و تأملی در چگونگی طرح آموزه‌های مهدویت از سوی امام باقر علیه‌السلام و کیفیت ارائهٔ معارف مهدوی از سوی ایشان است؛ بیاناتی که با توجه به اهداف کلی دعوت دینی، فرصت ویژهٔ صادقین در آموزش معارف دینی، نیازهای عصر سقوط امویان و ظهور عباسیان شکل گرفته است.

بررسی محورهای مورد تأکید در این بیانات و تأمل در نسبت آن‌ها با اهداف کلی و نیازهای هر عصر می‌تواند از یک‌سو طرح کلانی را نشان دهد که در این شکل از تعلیم و تربیت تعقیب شده است و از سوی دیگر، تأثیر تربیتی و اخلاقی هر یک از آموزه‌های مهدوی را نمایان‌تر کند.

این پژوهش بر تحلیل محتوایی روایات صادره از امام باقر علیه‌السلام تکیه دارد و می‌کوشد با توجه به شرایط عصر صدور، آثار آموزه‌های مهدوی بر شیعیان را معلوم نماید؛ از این‌رو با تعیین محورهای مورد تأکید در سخنان آن امام، همراه با ارائه نمونه‌ای از آن و تأمل در نسبت این سخنان با شرایط مخاطبان، تلاش دارد به حکمت و جهت طرح هر یک از آموزه‌ها دست یابد. ارائهٔ نمونه از سخنان امام باقر علیه‌السلام در این نوشتار با توجه به توضیحات مقالات پیشین، محدودتر بوده و کثرت روایات آن حضرت ما را ناچار از گزارش کلیات و پرهیز از ذکر جزئیات کرده است. از پیش‌فرض‌ها و روش‌های این مجموعه مقالات، پیش‌تر در نوشتاری دیگر گفت‌وگو کرده‌ایم.

مقالهٔ حاضر، روشنگر این سخن است که تعلیم آموزه‌های مهدوی در این برهه از تاریخ ائمه علیهم‌السلام افزون بر ارائهٔ معارف مهدوی و آخرالزمانی به نکاتی

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم. (amir_ghanavi@yahoo.com)

مهم در تربیت مخاطبان توجه دارد و نوعی زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و جلوگیری از انحرافات را متناسب با عصر ائمهٔ نخستین دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های مهدویت، عصر امام باقر علیه‌السلام، افول امویان، ادعای مهدویت، ظهور عباسیان.

مقدمه

با مرگ عبدالملک بن مروان و حجاج بن یوسف، خشونت و اقتدار حکومت بنی‌امیه کاهش یافت. آغاز امامت حضرت باقر علیه‌السلام هم‌زمان با این ایام بود که فشارها و سخت‌گیری‌ها کاهش یافت و امکان مناسب‌تری برای فعالیت‌های آموزشی فراهم آمد. با آغاز حکومت عمر بن عبدالعزیز و تا زمان قدرت گرفتن هشام بن عبدالملک، برخورد با شیعیان شکلی آرام‌تر به خود گرفت و امکان فعالیت تربیتی و آموزشی برای امام باقر علیه‌السلام فراهم شد. بدین ترتیب، حرکت تربیتی‌ای که با امام سجاد علیه‌السلام آغاز شده بود[1] در عصر امام باقر علیه‌السلام فرصت مناسبی برای توسعه و تعمیق خود یافت.

اولین استفاده از این آموزه را در فرقه کیسانیه می‌توان ردیابی کرد (نوبختی، ۱۴۰۴: ۲۶). پس از آنان، اولاد عباس نیز مدعی وصایت شدند (همو: ۳۰ - ۳۶) و با انتخاب القاب حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه برای خود، راه تازه‌ای برای سوء استفاده از گرایش‌ها و باورهای مردم آزمودند؛ راهی که بعضی از نوادگان امام مجتبی علیه‌السلام نیز در مقابله با عباسیان در پیش گرفتند (بلاذری، ۱۳۹۴: ج۳، ۷۸؛ اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

ضعف حکومت اموی و کم شدن فشارها این امکان را برای امام باقر علیه‌السلام فراهم کرد که فعالیت‌های گسترده‌ای را در عرصه آموزش سامان دهد. مدرسه امام باقر علیه‌السلام موفق به تربیت نسل تازه‌ای از دانشمندان شیعه، متناسب با نیازهای عصر جدید شد؛ عصر پرسش‌ها و شبهات؛ پرسش‌هایی که در بستر ضعف فرهنگی مسلمانان می‌رویید و از چالش اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مسلط آن روزگار با فرهنگ مسلمین تغذیه می‌شد.

۱. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام إِلَّا ثَلَاثَةً: أَبُو خَالِدٍ الْكَابُلِيُّ وَ يَحْيَى ابْنُ أُمِّ الطَّوِيلِ وَ جُبَيْرُ بْنُ مُطْعِمٍ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ لَحِقُوا وَ كَثُرُوا؛ جمیل از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که فرمود: مردم بعد از حسین علیه‌السلام مرتد شدند مگر سه نفر؛ ابوخالد کابلی، یحیی بن امّ‌طویل و جبیر بن مطعم. پس از مدتی مردم پیوستند و زیاد شدند. (مفید، ۱۴۱۳ـ الف: ۶۴)

عصر امام باقر علیه‌السلام آغازی بر دورهٔ شکوفایی فوق‌العادهٔ جامعهٔ شیعه است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله او را باقر العلوم نامید؛ از این‌رو که او به سبب نیاز آتی در رویارویی با اندیشه‌های یونانی، ایرانی و... به آموزشی متفاوت از علوم انبیا روی آورد؛ او آن‌چه را که رسول آورده بود می‌شکافت، لایه‌های تازه‌ای از علم دین را عرضه می‌داشت، پاسخ‌هایی را که جامعهٔ اسلامی به آن نیاز داشت از عمق پیام رسول استنباط کرده و راه وصول به این همه را نیز به حاملان علم شیعه می‌آموخت.

آموزه‌های اولیهٔ اسلام در برابر اندیشه‌های ساده مشرکان و حرف‌های نه‌چندان پیچیده اهل کتاب عرضه شده بود. اما اکنون اندیشه‌های عمیق یونانی و ایرانی و پیام‌های رمزآلود هندی در برابر اندیشه اسلامی رخ می‌نمود و تبیینی تازه و ژرف‌اندیشی متفاوتی در اندیشه‌های الهی را نیاز داشت.

اگرچه اندیشه اسلامی ظرفیت پاسخ‌گویی به همه نیازها تا روز قیامت را دارد، ولی این اندیشه به صورت لایه‌لایه عرضه شده و برای رسیدن به عمقی بیشتر، شکافندهٔ علمی چون امام باقر علیه‌السلام را طلب می‌کرد.

باقر العلوم علیه‌السلام به لایه‌های زیرین اندیشه اسلامی پرداخت و در تمام عرصهٔ فقه ـ از عقاید و معارف تا اخلاق و احکام ـ به نوآوری پرداخت. در عرصهٔ عقاید و معارف، نه‌تنها اعتقادات ناب دینی را تبیین کرد، بلکه به توضیح لایه‌هایی از معارف دینی اقدام کرد که پاسخ‌گوی نیاز این دوره بود.

کلامی که در آموزش‌های امام باقر و فرزندش علیهماالسلام القا می‌شد، همانند آموزش‌های رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشینان او رکنی از تربیت دینی است و نوعی حرکت فکری و روحی را برای افراد به ارمغان می‌آورد. اما در عصر صادقین علیهماالسلام اصول و قواعد این اندیشه و استدلال‌های ظریف و دقیقی که در ورای تک‌تک مفاهیم و گزاره‌های دینی نهفته است، آموزش داده می‌شد. این آموزش‌ها ذهن شاگردان را سازمان می‌دهد؛ ذهنیّتی که به آنان امکان پاسخ‌گویی به هر شبهه تازه را فراهم می‌آورد. این ذهنیّت حاصل نوع آموزشی است که در آن، فرد با تمامی وجود درگیر سؤالات اساسی شده و حرکت فکری خود را با پرسش‌های دقیق آغاز می‌کند.[1] در این روش پیش از ارائه پاسخ، ذهن با پرسش و درگیری با موضوع آماده شده و مطالب بی‌محابا به ذهن مخاطب ریخته نمی‌شود.

۱. نمونهٔ این نوع برخورد را در اولین و دومین برخورد امام با هشام بن حکم (کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۶) و همچنین در سخنان امام صادق علیه‌السلام در آغاز مناظرهٔ مرد شامی با اصحاب امام می‌توان دید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۲).

در آموزش‌های صادقین علیهما السلام توجّه به آموزش اصول و قواعد اندیشه دینی و استدلال‌ها و حکمت‌ها برجستگی خاصی دارد. در این شیوه، نه‌تنها ظرایف و لطایف قرآنی[1] و روایی آموخته شده، بلکه چگونگی تحصیل این نکات نیز توضیح یافته است (نک: ***مشرق موعود***، ش۲۲).

این آموزش‌ها همراه با فضای باز گفت‌وگوی با استاد، استفاده از شیوه کارگاهی جدل و نقد شیوه استدلال شاگردان، به تربیت رجالی می‌انجامد که در برابر هر حریفی و در هر عرصه‌ای توان مقابله دارند و قدرت کلام را در دو چهره تبیین‌گر و مدافع به رخ می‌کشند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۱۳، ۸۷ و ۱۷۲؛ صدوق؛ ۱۳۹۸: ۲۲۰؛ کشی، ۱۴۰۹: ۲۵۶ و ۲۶۶). شاگردان گاه با حضور در مواجههٔ امام با صاحبان مذاهب و فرق می‌توانند در شیوه و محتوای مباحث کلامی نکات بسیاری بیاموزند (کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۷۲ و ۷۸).

در این جایگاه استاد به جای درگیری مستقیم خود با صاحبان شبهه و سؤال، می‌تواند شاگردان را به رویارویی با آنان بفرستد[2] و خود تنها مشکل‌گشایی کرده و در حل دشواری‌ها از شاگردان خویش پشتیبانی کند.[3] شاگردان نیز در صحنه عمل با مشکلات و پرسش‌های واقعی آشنا شده و توانمندی‌هایشان محک می‌خورد.

در بررسی روایات صادقین علیهما السلام باید به تفاوت‌های عصر این دو امام نیز توجه داشت. امامت حضرت باقر علیه السلام در دوره فتور حکومت اموی است و دلیل چندانی برای تقیه نیست، اما امام صادق علیه السلام با آخرین خلیفه مقتدر اموی ـ یعنی هشام بن عبدالملک ـ و با دو خلیفه خون‌ریز عباسی، ابوالعباس سفاح و منصور هم‌عصر است. فضای گفت‌وگوی حضرت صادق علیه السلام آکنده از حساسیت حکومت‌هاست و پیچیده‌گویی و تقیه لازمهٔ ادامه حرکت شیعی در این دوره‌ها به شمار می‌رود.

تفاوت دیگر در قلّت و کثرت شیعیان است. اصحاب امام باقر علیه السلام جمعی محدودتر ولی خالص‌ترند، اما عصر امام صادق علیه السلام دورهٔ پرشماریِ شیعیان و همراه شدن با ناخالص‌ها و ناخالصی‌هاست. همین نکته موجب می‌شود فهم سخنان امام صادق علیه السلام محتاج به دقت‌ها و

۱. در کتاب ***معجم احادیث الامام المهدی*** ۹۳ حدیث از امام باقر و بیش از این مقدار از امام صادق علیه السلام نقل شده که با تفسیر و تأویل آیات قرآن، بسیاری از معارف مهدوی تبیین شده یا بر آن‌ها استدلال گردیده است.

۲. رویارویی‌های احول با ابوحنیفه و هشام با ارباب مذاهب و ادیان (مجلسی، ۱۴۰۳: ج۴۷، ۳۹۶) و مروری بر آن‌چه دربارهٔ قیس ماصر گفته شد و همچنین دیدن عناوین کتب و نوشته‌های رجال بزرگی مانند یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان و متکلمان بزرگ آل نوبخت در عصر معصومین علیهم السلام تصویری کوچک از تلاش‌های آن بزرگان را ارائه می‌دهد.

۳. برای نمونه نگاه کنید به مناظرهٔ دیصانی با هشام و رجوع هشام به امام (کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۷۹ و ۱۲۹). همچنین گفتنی است اصحاب عمدتاً پس از آموزش در مدینه به شهر خویش بازگشته و به کار و تبلیغ می‌پرداختند و تنها گاهی برای زیارت امام و پرسش به مدینه آمده یا در ایام حج و عمره به گرد امام جمع می‌شدند.

ظرافت‌های بیشتری باشد.

آخرین تفاوت در پدیدار شدن آل‌عباس است؛ قدرت‌طلبان تازه‌ای که با آل‌علی علیهم‌السلام نسبتی نزدیک دارند و از بسیاری از اسرار باخبرند. اینان از معارف شیعی آگاهند و آمادهٔ سوء استفاده از هر آموزه‌ای به‌ویژه آموزه مهدویت هستند. توجه به حضور و حساسیت عباسیان در فضای صدور یا تدوین کتب حدیث[1] می‌تواند به تحلیل‌های متفاوتی بینجامد. باید به این نکته توجه داشت که عباسیان و داعیان از اواخر دوره حضرت امام باقر علیه‌السلام کار خود را آغاز کردند؛ حرکتی که در دوره امام صادق علیه‌السلام به بار نشست.

در ادامه به محورهای سخنان امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ آموزه‌های مهدویت اشاره می‌کنیم و بر نکات پرتکرار و متفاوت در هر یک تأکید خواهیم کرد. فراوانی روایات صادقین علیهماالسلام سبب می‌شود برای تنظیم مناسب‌تر به دسته‌بندی محتوایی تازه‌ای بر اساس مقطع زمانی مورد توجه در کلام روی آوریم.

مأخذ و مرجع اصلی در این بخش، کتاب ***معجم احادیث امام مهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است که به شمارهٔ صفحات آن در میان پرانتز اشاره شده است. تقریباً تمامی روایات امام باقر علیه‌السلام در جلد چهارم و

---

۱. کتاب‌های مهمی مانند کتاب ***الفتن*** نوشته نعیم بن حماد مروزی، با چنین نگاهی مورد توجه قرار دارند. در این کتاب روایات متعددی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که همگی دچار ضعف سند هستند. اسناد مزبور عبارتند از:

۱. حدثنا سعید ابو عثمان عن جابر عن ابی جعفر (نک: مروزی، ۱۴۱۴: ج۱، ۲۲۴، ۲۹۰، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷ و ۳۴۵)؛

۲. حدثنا یحیی بن الیمان، عن هارون بن هلال، عن ابی جعفر علیه‌السلام (همو: ۳۳۳)؛

۳. حدثنی الولید، قال اخبرنی شیخ عن جابر عن ابی جعفر علیه‌السلام (همو: ۳۲۵ و ۳۲۹)؛

۴. حدثنا الولید و رشدین، عن ابن لهیعة، قال حدثنی ابوزرعة، عن محمد بن علی (همو: ۳۴۷)؛

۵. حدثنا الولید بن مسلم، قال حدثنی محدّث أن (همو: ۳۴۹)؛

در صدر سند اول عنوان سعید ابوعثمان واقع شده است. از میان اساتید نعیم بن حماد، دو نفر این اسم و کنیه را دارند (مزی، ۱۴۰۶: ج۲۹، ۴۶۹ و ج۱۰، ۴۶۳)؛ سعید بن عبدالجبار الحمصی و سعید بن زکریا قرشی. راوی اول از سوی دانشمندان رجالی اهل‌سنت تضعیف شده و قابل اعتماد نیست (نک: همو: ج۱۰، ۵۲۲)، اما راوی دوم اگر چه از سوی ابوحاتم و برخی دیگر جرح شده، اما بخاری و ابن‌حجر او را توثیق کرده‌اند (نک: همو: ج۱۹، ۴۳۵). به هر حال قرینه‌ای در کتاب نعیم بن حماد برای تمییز این دو وجود ندارد و از این‌رو سند مزبور قابل اعتماد نیست.

در سند دوم، یحیی بن الیمان و هارون بن هلال حضور دارند. فرد اول از سوی بسیاری جرح شده (نک: ابن‌سعد، بی‌تا: ج۶، ۳۹۱؛ نسائی، ۱۴۰۶: ۲۴۹؛ ابن‌عدی، بی‌تا: ج۷، ۲۳۵؛ احمد بن حنبل و یحیی بن معین به نقل از عسقلانی، ۱۴۰۴: ج۱۱، ۲۶۷)، اگرچه برخی نیز او را توثیق کرده‌اند (ابن‌حبان، ۱۳۹۳: ج۹، ۲۵۵ البته با تعبیر ربما اخطأ؛ علی بن عبد الله المدینی به نقل از خطیب بغدادی، بی‌تا: ج۱۴، ۱۲۷ با تعبیر صدوق وکان قد أفلج فتغیر حفظه). هارون بن هلال نیز مجهول‌الحال بوده و راهی برای توثیق او نیست.

سندهای سوم و پنجم گرفتار ارسال بوده و اعتباری ندارند. در سند چهارم، ولید بن مسلم، رشدین بن سعد، عبدالله بن لهیعة و ابوزرعه واقع شده‌اند که از احوال آنان ـ به جز ابوزرعه ـ در منقولات از نعیم بن حماد از علی علیه‌السلام گفت‌وگو کردیم. این سند نیز به سبب اعتبار نداشتن ابن‌لهیعة قابل اعتماد نیست.

بخش کوچکی از روایات در جلد پنجم این کتاب قرار گرفته است. البته روایات تفسیری امام باقر علیه‌السلام در حوزه مهدویت در مجلدی مستقل و در کنار سایر روایات تفسیر ائمه اطهار علیهم‌السلام گردآوری شده است.

محورهای بحث در سخنان امام باقر علیه‌السلام

۱. تولد، نام و نسب، ویژگی‌ها

امام باقر علیه‌السلام در چند روایت از مخفی بودن ولادت امام مهدی علیه‌السلام سخن گفته (۳۳۷ - ۳۴۰) و در تعدادی از روایات به توصیف ظاهری امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه پرداخته‌اند (۳۵۱ - ۳۵۵). در روایات امام باقر علیه‌السلام کمتر به نام مهدی علیه‌السلام اشاره شده[1] و حتی در مواردی، اجتناب امام از ذکر نام ایشان مشهود است (۳۴۱ و ۳۵۱).

در یک روایت از درج امام و عملکرد او در پیمان و میثاقی خبر داده که از همگان گرفته شده است؛ میثاق مندرج در آیه ۱۷۲ سوره اعراف (۳۷۷). در روایتی دیگر نیز به ویژگی مشهور مادر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اشاره شده است: ابن سیدة الإماء فرزند سرور کنیزان (۳۵۷).

تأکید بر مخفی بودن ولادت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه دو اثر در شیعه داشته است؛ اول، آمادگی برای چنین شرایطی و دور ماندن از شک و تردید؛ دوم، در اختیار گذاردن علامتی برای تشخیص درست تا جایی که مدعیان حتی در ادعای مهدویت موسی و اسماعیل ـ فرزندان امام صادق علیه‌السلام ـ نتوانستند موفقیت چندانی به دست آورند.

توصیف ظاهری مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و خبر دادن از ویژگی مادر او، در خود تأکیدی بر قطعیت موعود و همچنین احاطه امام باقر علیه‌السلام دارد و جایگاه او را بر مخاطب معلوم می‌کند. این توصیفات می‌تواند علامتی را نیز در اختیار مخاطبان و آیندگان بگذارد.

روایت به قرار گرفتن مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در مضمون میثاق توحید و ربوبیت، و درج امامت در مضمون توحید اشاره دارد و این‌که ادامه توحید و حاکمیت پروردگار، پذیرش امامتی است که روشنگر حکم پروردگار در تمامی حادثه‌هاست.

۲. غیبت

توجه به حکمت غیبت در روایات بسیاری دیده می‌شود. در این روایات از ترس از کشته‌شدن (۳۴۶)، بیعت نکردن با گردن‌کشان زمانه (۳۴۸)، تحول در روحیهٔ حاکم بر

۱. «اسْمُهُ اسْمِي؛ نامش نام من است». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۱)

جامعه[1] (۳۹۹ - ۴۰۲)، غربال شدن (۳۱۹ - ۳۲۱) و همچنین نیاز به طی شدن دوره‌هایی در جامعه انسانی و حصول برخی تغییرات (۳۱۹ - ۳۲۱، ۳۹۹ - ۴۰۲ و...) به عنوان دلایل غیبت نام برده شده است. همچنین در قالب بیان آثار غیبت نیز به نکاتی اشاره شده (۳۴۸ - ۳۵۰) که می‌توان از آن به عنوان بخشی از حکمت‌های غیبت یاد کرد.

امام در این سخنان از یک‌سو تداوم امامت آشکار را ناممکن و از سوی دیگر غربال شدن شیعیان و حصول نوعی بلوغ اجتماعی را لازمه قیام و ظهور امام دانسته است.

این بیانات، عقلانیت غیبت را روشن می‌کند و اشاره به حرکت‌هایی دارد که برای رسیدن به ظهور و قیام باید شکل گیرد. توضیح وجههٔ عقلانی غیبت، شبهه‌ها را می‌زداید و افق پیش روی فرد و جامعه شیعه را روشن می‌کند. این بخش از سخنان حضرت باقر علیه‌السلام به نکات ظریفی نیز اشاره دارد که باید در بحثی مستقل به آن پرداخت.

انحراف دیگری که در این کلمات مورد توجه خاص قرار گرفته، بحث تعیین وقت برای ظهور است. در این روایات، هر گونه وقت‌گذاری به صراحت باطل به شمار آمده و گویندهٔ چنین سخنی تکذیب شده است (۳۹۳ به بعد). فراهم آمدن شرایط ظهور حجت خدا وابسته به پایمردی مؤمنان و تحول در فضای فکری مردم است و برای چنین اموری نمی‌توان وقت تعیین کرد.

---

۱. در ***کافی*** (ج۸، ص۳۶۲) گفت‌وگویی میان حمران و امام باقر علیه‌السلام نقل شده است. در این گفت‌وگو، امام در پاسخ به سؤال حمران از زمان ظهور، برای او داستان عالِمی را می‌گوید که فرزندش از او نیاموخته، اما همسایه از او بهره می‌گیرد. در بستر مرگ، عالم به فرزند توصیه می‌کند به هنگام نیاز، به سراغ همسایهٔ جویای علم برود. پس از مرگ عالم، پادشاه خوابی می‌بیند و برای تعبیر آن از عالم سراغ می‌گیرد و هنگامی که از مرگ عالم آگاه می‌شود، فرزند او را به حضور می‌طلبد. جوان حیران و هراسان از این دعوت به سراغ همسایه می‌رود، اما با این شرط او مواجه می‌شود که اگر پادشاه پاداشی به او داد، همسایه نیز در آن سهیم باشد. با پذیرش شرط، همسایه از خواب پادشاه خبر داده و به او می‌آموزد که در پاسخ سؤال پادشاه از این‌که این زمان، کدام زمانه است، بگوید: زمانهٔ گرگ. جوان با آموخته‌هایش حضوری موفق در نزد پادشاه داشته و به پاداش می‌رسد، اما به وعده با همسایه وفا نمی‌کند. خواب دوبارهٔ پادشاه، به احضار جوان و التماس و تعهد دوبارهٔ او به همسایه می‌انجامد و همسایه این‌بار به او می‌آموزد که در پاسخ پادشاه بگوید: این زمان، زمانهٔ قوچ است. جوان پس از گرفتن جایزه به تردید افتاده و باز نیز بی‌وفایی پیشه می‌کند. پادشاه باز خواب می‌بیند و جوان، پشیمان از بی‌وفایی‌ها، اما ناگزیر از پاسخ پادشاه، باز به محضر همسایه شتافته و ملتمسانه کمک می‌خواهد و بر تقسیم جایزه تعهد می‌کند. همسایه به او می‌آموزد که این‌بار در پاسخ سلطان بگوید: زمان، زمانهٔ میزان است. جوان با توفیق در نزد سلطان جایزه را به نزد همسایه آورده و از او می‌خواهد تا این‌بار او اختیاردار تقسیم باشد. همسایه سهمی برای خود نمی‌خواهد، اما برای جوان مروری بر گذشته دارد که بار اول، زمانهٔ گرگ بود و تو نیز از گرگان، و نوبت دوم زمانهٔ قوچ بود که قصد می‌کند و انجام نمی‌دهد و تو نیز از قوچ‌ها، اما اکنون زمانهٔ میزان است و تو نیز آمادهٔ وفا.

داستان امام باقر علیه‌السلام به لزوم تحول زمانه اشاره دارد؛ تحولی که با پختگی اجتماعی و تجربه راه‌های دیگر حاصل خواهد شد. آن‌ها که در زمانهٔ حضور از پدران امت (حجت‌های خدا) بهره نبردند، باید دوره‌های گرگ‌صفتی و تردید و بی‌عملی را بچشند تا ارزش وفا و اعتدال را حس کنند و آماده همراهی با حجت‌های خدا شوند.

در برخی روایات معتبر، از سال هفتاد به عنوان موعدی خبر داده شده که خداوند برای زمان حکومت ائمه علیهم‌السلام تعیین کرده بود، اما با کشته‌شدن امام حسین علیه‌السلام پروردگار بر اهل زمین غضب کرد و آن را تا سال صد و چهل به تأخیر انداخت. این موعد نیز به سبب کشف اسرار ائمه از سوی یاران ایشان منتفی شد و خداوند پس از آن در نزد ائمه علیهم‌السلام زمانی را برای حکومت تعیین نکرد.

این سخن را با مروری بر تاریخ ائمه نیز می‌توان تأیید کرد؛ زیرا حرکت اجتماعی شیعه پس از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از وقفه‌ای که با تسلط اولیه بنی‌امیه حاصل شد، روندی صعودی داشت و تأمل در شرایط اجتماعی جامعه شیعه نشان می‌دهد که تداوم حرکت حسینی می‌توانست با داشتن مهلتی بیشتر برای رشد به قیام بینجامد[1] که با کوتاهی و بی‌مهری یاران و خشونت دشمنان سرانجامی نیافت.

پس از امام حسین علیه‌السلام، امام سجاد علیه‌السلام آغازگر حرکتی تازه بود که در طول ده‌ها سال به گستردگی و وسعتی خاص رسید (کشی، ۱۴۰۹: ۱۲۳).[2] این حرکت با فترت و زوال بنی‌امیه فرصتی استثنایی یافت، اما سستی یاران امام در پایبندی بر توصیه اکید آن حضرت بر تقیه، موجب شد حرکت شیعی گرفتار محدودیت‌های حاکمان و طمع‌ورزی دوستان شده و راه بر تشکیل حکومت ولایی بسته شود. شرایط تازهٔ دیگر با تعیین زمانی برای قیام همراه نبود و همه چیز موکول به پایمردی مؤمنان و تغییر ذهنیت مردم شد.

این منطق است که روایات دیگر حضرت باقر علیه‌السلام دربارهٔ بی‌فایدگی قیام‌های پیش از ظهور را توضیح می‌دهد. امام به برخی یاران خویش فرمان خانه‌نشینی و همراهی نکردن با کسانی را می‌دهد که به قیام مسلحانه علیه حکومت برمی‌خیزند. امام نه‌تنها این تحرکات را بی‌فایده می‌داند،[3] بلکه از بی‌پایگی و بی‌هدفی افرادی از خاندان خبر می‌دهد که اقدام به قیام می‌کنند.[4]

منع از همراهی با قیام‌های بی‌سرانجام همراه با تأکید بسیار بر انتظار فرج و نشان دادن

۱. از علی علیه‌السلام روایاتی نقل شده که بر این مطلب دلالت دارد. (راوندی، ۱۴۰۹: ج۱، ۱۷۸؛ همچنین صدر حدیث کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۳۶۸)

۲. از این نکته در نوارهای «تاریخ اسلام» به تفصیل سخن گفته شده است.

۳. لَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ يَدْفَعُ ضَيْماً وَ لَا يَدْعُو إِلَى حَقٍّ إِلَّا صَرَعَتْهُ الْبَلِيَّةُ الغيبية؛ کسی از ما خاندان نیست که ستمی را دفع کند یا به حقّی فراخواند، مگر این‌که گرفتاری دامنگیرش شود. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۱)

۴. وَ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَكَ وَ تَقْعُدَ فِي دَهْمَاءِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ وَ إِيَّاكَ وَ الْخَوَارِجَ مِنَّا فَإِنَّهُمْ لَيْسُوا عَلَى شَيْءٍ وَ لَا إِلَى شَيْءٍ؛ و نیز به این‌که خانه‌نشین باشی و در گردهمایی این مردم شرکت نکنی، و از آنان که از ما خاندان خروج می‌کنند دور باش که آنان چیزی به دست ندارند و به چیزی هم نایل نمی‌شوند. (همو: ۱۹۴)

رفتارهای درست در عصر غیبت است (۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۸ - ۳۳۱، ۳۱۶، ۳۲۶ و ۳۲۷). امام باقر علیه‌السلام تصویری عمیق از مفهوم انتظار فرج می‌نمایاند که در آن انتظار، بخشی از دین است، نه صرف حالتی در روح و روان مؤمن. انتظار به مثابه آمادگی و آماده‌سازی شرایط برای ظهور، مهم‌ترین عمل در عصر غیبت به شمار می‌رود؛ عملی که خود فرجی است برای مؤمن در رسیدن به هدف و سطحی متفاوت در زندگی که خود از هر پیروزی و فرجی مهم‌تر است.

آموزش این نکته که اگر انتظار فرج به معنای نارضایتی از شرایط سخت و ابتلائات عصر غیبت باشد، نوعی دنیاطلبی را در خود دارد و اگر مؤمن خود را در چنین شرایطی متضرر احساس می‌کند، در حقیقت نقش خویش در این دنیا و اهمیت ابتلا و غربال شدن‌ها (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۳۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج۱، ۳۷۰) را نیافته که اگر کسی با دوری از محضر معصوم بتواند فشارهای فکری، روانی و اجتماعی را تحمل کرده، به آمادگی و آماده‌سازی ادامه دهد، برتر از کسانی است که محضر امام را درک می‌کنند و در رکاب او می‌جنگند.

یکی از شیوه‌های بیان معارف مهدوی، اشاره به سنت‌هایی است که هم‌سان با پیامبران الهی در حق امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نیز جریان یافته است (۳۵۷ و ۳۵۹ - ۳۶۳) که از ظرافت‌های این شیوه، در مقالهٔ پیشین سخن گفته شد (نک: ***مشرق موعود***، ش۲۷: ۵-۲۵). امام باقر علیه‌السلام در چند روایت به سنت‌هایی اشاره دارد که هم‌سان با پیامبرانی چون موسی، عیسی، یوسف، یونس علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در حق امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نیز جاری شده است (برای مطالعهٔ کامل‌ترین بیان در این‌باره، نک: صدوق، ۱۳۹۵: ج۱، ۳۲۷).

امام باقر علیه‌السلام برخی نکته‌های عصر غیبت را همانند سایر معصومین علیهم‌السلام تکرار می‌کند: اصلاح امر مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در یک شب (۳۵۷ و ۴۴۶) و همچنین شهادت بر امامت آن حضرت، توسل به او و دعای برای او (۱۹ - ۲۴) که پیش‌تر از آثار این بیانات گفتیم.[1]

۳. عصر نزدیک به ظهور

در کتب روایی شیعه و اهل‌سنت روایات بسیاری می‌توان یافت که از اوضاع روزهای آینده خبر می‌دهند؛ روایاتی که از آن‌ها به روایات ملاحم و فتن تعبیر شده و مؤلفان بسیاری به

۱. شیخ طوسی در ***الغیبة*** (ص۱۶۲) روایتی دربارهٔ محل سکونت امام در عصر غیبت و تعداد همراهان او آورده است که با سندی مشابه در ***کافی*** (ج۱، ص۳۴۰) و ***الغیبة*** نعمانی (ص۱۸۸) از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است. قرائنی اتحاد دو روایت را تقویت کرده و اشتهار سند اول و هم‌سانی نقل نعمانی و کلینی و همچنین وجود ضعف در متن سخن شیخ طوسی می‌تواند دلیلی بر رجحان سند کلینی و نعمانی تلقی شده و روایت در زمرهٔ روایات امام صادق علیه‌السلام قرار گیرد.

تصنیف پیرامون آن‌ها پرداخته‌اند.

بخش بزرگی از این روایات وضعیت زمانی مشخصی نسبت به قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه ندارند، اما بخشی دیگر از عصری خبر می‌دهند که به قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌انجامد. روایات اخیر، بخش مهمی از آموزه‌های مهدوی را تشکیل می‌دهد.

این روایات در حقیقت گزارشی از وقایعی است که پیش از ظهور حجت خدا رخ خواهند دارد؛ وقایعی که با رخ دادن آن‌ها می‌توان ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را توقع داشت و علایم ظهور به شمار می‌روند.

از بیان علایم ظهور توسط ائمه علیهم‌السلام هم مصون‌سازی مسلمانان نسبت به جریان‌های انحرافی حاصل می‌گردد و هم احاطه و جایگاه امامان شیعه گوشزد می‌شود. این علایم گاه در آسمان و زمین و خارج از فضای اجتماعی، و گاه حادثه‌هایی اجتماعی هستند. پرتکرارترینِ علامت‌های دسته اول در منقولات حضرت باقر علیه‌السلام ندای آسمانی است؛ ندایی که مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به همگان معرفی می‌شود و آغاز قیام او را اعلام می‌کند و برای هیچ کس تردیدی باقی نمی‌گذارد (۳۱۷، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۸۲، ۴۲۷، ۴۲۹ ـ ۴۳۱ و ۴۳۳).

این بیانات افزون بر ارائه علامتی مطمئن و حتمی برای ظهور، راه را بر مدعیان مهدویت می‌بندد؛ زیرا ساختن صیحه‌ای آسمانی که در گوش همه نشسته و برای همگان مفهوم باشد، حتی امروزه نیز خارج از اختیار آدمی است.

داعیان عباسی در دوره امام باقر علیه‌السلام کار خود را آغاز کردند و سوء استفاده از مفاهیم مهدوی، از جمله آموزه‌هایی است که در تبلیغات عباسیان مورد توجه خاص بود. استفاده از برخی القاب مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه مانند سفاح، منصور و مهدی برای سلاطین عباسی حکایت از این توجه دارد. ارائه علایمی تقلید و جعل نشدنی می‌تواند دست مدعیان را در فریبکاری ببندد و شیعیان را با نشانه‌هایی همراه کند و تشخیص حق و باطل را سهل نماید.

در منقولات امام باقر علیه‌السلام از میان علایم اجتماعی، خروج سفیانی بسیار مورد توجه است. نام، مشخصات ظاهری (۴۱۸)، نقطه آغاز حرکت (۳۶۲)، درگیری‌های پیش از آن (۴۱۶، ۴۰۵، ۳۱۵، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۹۰)، مدت حکومت (۴۱۹) و همچنین حوادثی توصیف شده است که برای او و سپاهش رخ خواهد داد (۴۲۲). در این کلمات، امام باقر علیه‌السلام بر حتمیت قیام سفیانی تأکید شده (۴۲۳) و خروج او را در سال قیام قائم (۴۱۷) و پیش از حدوث آن گفته است (۳۸۴ و ۴۱۳).

واژه «سفیانی» برگرفته از کنیه ابوسفیان ـ بزرگ بنی‌امیه ـ است و از انتساب دشمن بزرگ

مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به این خاندان خبر می‌دهد. این واژه در عصری که حکومت در اختیار آل‌امیه است، به نوعی مربوط کردن جریان شیطانی سفیانی به حکومتی است که بر تخت حکومت مسلمین نشسته است. توجه خاص امام باقر علیه‌السلام به سفیانی و داستان او می‌تواند تأکیدی بر تقابل خاندان و جریان اموی با اسلام، پیامبر و حرکت او باشد.

برخی دیگر از علایم ظهور مانند قتل نفس زکیه (۴۴۷)، اختلاف میان فرزندان عباس، خروج یمانی و همچنین برخی علامات نجومی(۳۷۹ و ۳۸۹) در منقولات از امام باقر علیه‌السلام وارد شده‌اند (۴۲۵، ۴۴۷، ۴۰۵ و ۴۰۶) (برای مطالعهٔ برخی علایم دیگر، نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۲ به نقل از امام باقر علیه‌السلام و نیز مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ۴۰۵، ۳۱۵، ۳۹۰، ۳۴۵، ۳۴۶ و ۳۶۲). اما در روایات به جای مانده از حضرت باقر علیه‌السلام خبر چندانی از دجال دیده نمی‌شود و تنها در یک نقل به محل خروج دجال اشاره شده است (ج۵، ۵).

در منقولات امام باقر علیه‌السلام از ظهور پرچم‌های سیاه (نشانه عباسیان) در حمایت از مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خبر داده شده است (۴۰۹ - ۴۱۱) که پیش‌تر از شبههٔ اعتبار این روایات و خدشه در منبع آن، یعنی کتاب *فتن* ابن‌حماد سخن گفته شد.

۴. ظهور و وقایع هم‌زمان با آن

توصیف هنگامه ظهور، مضمون بخشی از روایات امام باقر علیه‌السلام است. خروج قائم در روز عاشورا رخ خواهد داد (۴۵۱ و ۴۵۳)[۱] و یارانی به تعداد سربازان رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بدر خواهد داشت که از مناطق مختلف دنیا گرد او فراهم می‌آیند (۴۴۵ و ۴۴۹).

آری، او آغاز دوبارهٔ بدر اسلام و منتقم عاشوراست و هر کس می‌تواند با انتظار مصلحانه این امید را در دل بپروراند که در محضر او و در رکابش حاضر شود و حجاب زمان و مکان مانع از حضور و همراهی نخواهد شد. این سپاه، همان سپاه بدر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است که بازگشته و آن‌چه ناتمام مانده بود را تمام می‌کند.

در مکه خطبه خوانده، حرکت خود را آغاز می‌کند؛ پرچم، سلاح، کلاه‌خود و سپر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به همراه دارد و پیمان‌نامه‌ای از جانب او. کنار کعبه، میان رکن و مقام با او بیعت

۱. این سخن با اسناد مختلفی از ابوبصیر نقل شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۲؛ مفید، ۱۴۱۳ـ ب: ۳۸۹؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج۲، ۶۵۳-۶۵۴) و مشابه آن از کثیرالنوّاء (طوسی، ۱۴۰۷: ج۴، ۳۰۰) و به نقل از علی بن مهزیار نیز وارد شده است (نک: صدوق، ۱۴۱۳: ج۱، ۲۷۲). در نقل‌هایی از حادثه‌های میمونی خبر داده شده که در این روز رخ داده و توجیهی برای دستور به روزه گرفتن در روز عاشوراست. بی‌اعتباری این روایات و صدور آن به سبب تقیه در بحث از روزهٔ عاشورا روشن است (نک: اشتهاردی، ۱۴۱۷: ج۲۱، ۳۶۲) اما نقل علی بن مهزیار از این مطالب خالی است و به همین دلیل، خدشه در مدلول آن (وقوع قیام در روز عاشورا) بی‌جهت خواهد بود.

می‌شود(۳۶۴ - ۳۶۷) و با ندای آسمانی و معرفی او با نام و نام پدر، جای شبهه برای کسی باقی نمی‌ماند (۳۶۷ و...). او عصا و سنگ موسی (۳۶۹ و ۳۷۳) را به همراه دارد و سنت‌هایی از انبیا در حق او نیز جاری است (۳۵۹ - ۳۶۳).

او با نام رسول خدا و با همان پرچم، سیره و سلاح او بازگشته است. او ادامهٔ انبیاست، و با ابزارها و سنت‌های آنان همراه است. در تأیید او آسمان به زمین متصل شده و جایی برای شبهه و تردید باقی نمی‌ماند. آن‌که در برابر او می‌ایستد، از حجت بالغه الهی عبور کرده و در برابر آن ایستاده است.

عیسی مسیح علیه‌السلام در زمان او به زمین بازمی‌گردد. عیسی علیه‌السلام در رکاب مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است و در نماز به او اقتدا می‌کند (۴۹۹ و ۵۰۰). در ***کافی*** از امام باقر علیه‌السلام نقلی وارد شده که در آن از همراهی الیاس پیامبر با مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه خبر داده است (۴۳۹ - ۴۴۳).

همراهی عیسی علیه‌السلام می‌تواند به یک‌دست شدن دو دین بزرگ ابراهیمی اشاره داشته باشد و به این‌که این جنگ میان صاحبان ادیان و مذاهب نیست و حق محض در برابر باطل محض صف خواهد کشید.

امام باقر علیه‌السلام در برخی روایات از اوصاف یاران قائم گفته است؛ از شجاعت فوق‌العادهٔ آنان (۴۳۷)، از برادری و رفاقتشان (۴۳۵) و از مطیع بودن آسمان و زمین و اشتیاقشان بر ایشان (۴۳۴). یاران قائم همگی در قید حیات نیستند و بسیاری از آنان به دنیا رجعت کرده و در رکاب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه حاضر می‌شوند (۱۵ و ۱۶).

تصویر یاران قائم به مخاطبان شرایطی را گوشزد می‌کند که با تحقق آن می‌توان به ظهور قائم امید بست. تا این استوانه‌ها بزرگ نباشند، امکانی برای حکومت مهدوی نیست و این بارِ بزرگ بر شانه‌های ناتوان جای نمی‌گیرد. مخاطب با دیدن فاصله خود با این تصویر زیبا، هم راه را می‌بیند و هم دلیل غیبت را می‌یابد و همچنین شوق حرکت را احساس می‌کند.

در نقلی از جابر، امام باقر علیه‌السلام شیوه سلام گفتن بر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه به هنگام رویت او را به شیعیان آموخته که عبارت آشنایی از زیارات جامعه است (ج۵، ۱۷ و ۱۸). سلام بر او صدها سال پیش از تولدش و سلام بر او که توفیقی برای دیدارش نداریم، او را در دل و خیال ما حاضر کرده و با کلماتی زیبا بذر شناخت و احساس را در مخاطب می‌نشاند.

۵. جنگ‌ها تا شکل‌گیری حکومت جهانی

شکل‌گیری حکومت جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با موانعی روبه‌روست که جز با جنگ کنار زده نمی‌شود. یاران شجاع و هم‌دل قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه که از آسمان و زمین حمایت می‌شوند، در خدمت

اویند. در روایات، از مسیر حرکت قائم (۴۵۵ و ۴۶۹)، رفتن به سوی قدس (۴۹۱ و ۴۹۲)، درگیری‌ها و جنگ‌های او و همچنین پیروزی‌هایی که در انتظار اوست خبر داده شده است(۳۷۸ و ۴۸۱)؛ پیروزی‌هایی که با حمایت همان فرشتگان به دست می‌آید که در جنگ بدر مددرسان رسول خدا ﷺ بودند (۴۳۴).

روایات امام باقر علیه‌السلام سیره قائم علیه‌السلام را همانند سیره رسول‌خدا ﷺ دانسته[1]، اما در همین روایات چند نکته دیده می‌شود که به نظر با سخن فوق هماهنگ نیست:

۱. برخی روایات از برخوردهای شدید و متفاوت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه خبر می‌دهد (۳۸۴ و ۴۷۳ - ۴۸۰). حتی در روایتی زراره از امام باقر علیه‌السلام صراحتاً پرسیده است: «**أَ يَسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ؟**» و امام در جواب فرموده: «**هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَارَةُ! مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ**» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۶).

۲. در برخی روایاتِ امام باقر علیه‌السلام از تجدید اسلام توسط امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و دعوت او به سنت و امری جدید خبر داده شده است (۳۱۷، ۳۸۴، ۵۰۳ - ۵۰۶)

۳. روایتی نیز از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که سیره قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در قضاوت را گاه هم‌سان با پیامبر ﷺ و گاه متفاوت با او معرفی کرده است (۴۸۳).

با دقت در روایات فوق، می‌توان ناهماهنگی ظاهری را برطرف کرد؛ زیرا مراد از تفاوت سیره امام با رسول‌خدا ﷺ در برخورد سختی است که او از آغاز با دشمنان خدا خواهد داشت. اما اصول حاکم بر رفتار امام نیز همان است که رسول ﷺ به همه آموخته است.

رسول‌خدا ﷺ ابتدا به بیان دعوت و اتمام حجت پرداخت و در این راه جز به ملاطفت و حوصله راه نپیمود، اما آن‌جا که چیزی جز عناد و دشمنی باقی نماند، او به شکستن توطئه‌ها اقدام کرد.[2] برخوردهای تند امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با کسانی است که جز عناد ندارند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند. مروری بر شخصیت سفیانی و دجال این ویژگی در دشمنان امام را نشان می‌دهد.

دعوت با ندایی آسمانی و علایمی آغاز می‌شود که حجت را بر همگان تام و تمام می‌کند. روایات بحث مهدویت، امام را دفع‌کنندهٔ شرّ سفیانی و دجال می‌داند، نه آغازگر جنگ با آنان.

روایات دعوت به اسلامی جدید از نکتهٔ مخالف با مسلمات قرآنی و روایی سخن نمی‌گوید. دعوت به سنت و اسلام جدید، دعوت به امری متفاوت با سنت و اسلامی است که مردم به آن خو کرده‌اند؛ اسلام و سنتی که گرد و غبار کج‌فهمی و دست‌های دسیسه بر آن آسیب‌ها زده

۱. أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ فَيَهْتَدِي بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج۲، ۳۵۱)

۲. امام صادق علیه‌السلام در کلامی مفصل از این روند سخن گفته است. (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ج۵، ۱۰)

است (برای تفصیل این مطلب نک: کشی، ۱۴۰۹: ۱۳۸، روایتی طولانی از امام صادق علیه‌السلام).

آری، به نظر می‌رسد در نظام قضایی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بر اساس واقع حکم خواهد شد و به امارات و ادله احراز، اکتفا نخواهد گردید و این تمایزی میان نظام قضایی حکومت موعود با نظام قضایی رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمؤمنان علیه‌السلام است.

در روایتی از حضرت باقر علیه‌السلام به شهر کوفه به عنوان محل حضور یا سکونت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه پس از قیام اشاراتی شده است (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰). البته طبیعی است که محل سکونت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در عصر غیبت مشخص نشده و تنها برخی روایات به محل‌های گوناگونی به عنوان اماکن سکونت یا حضور امام اشاره دارند.

۶. حکومت حجت خدا

این وعدهٔ مکرر رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و جانشینان اوست که مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه دنیای لبریز از ظلم و بیداد را به دنیایی سرشار از عدل و داد بدل خواهد کرد (۵۲۱). حضرت باقر علیه‌السلام از عدل او (۴۸۷، ۵۱۳ و ۵۱۴)، تکامل عقل‌ها در عصر او (۵۱۵ و ۵۱۶) و از بخشش و عطای او (۵۰۹ - ۵۱۱) خبر داده و حکومت باعظمتی (۳۷۱) را ترسیم می‌کند که بر تمام عالم سیطره داشته (۵۰۱) و حتی قوای طبیعی نیز مسخّر اویند (۵۱۷ و ۵۱۸).

او به حکومت و راهی دعوت می‌کند که برای مردم تازگی خاصی دارد و از اسلامی سخن می‌گوید که با درک دیگران از آن متفاوت است (۳۱۷، ۳۸۴ و ۵۰۳ - ۵۰۶).

این تصویرها مخاطبان را با حکومت معصوم آشنا می‌کنند و نصاب حکومت در نگاه شیعه را آموزش می‌دهند. اگر همت کنیم و زمینه‌ها را فراهم سازیم، ناچار از سعی و خطاهای مکرر و تحمل جهل و جور یکدیگر نیستیم و می‌توانیم به چنین اوجی دست بیابیم. این نگاه است که برای عدالت‌ورزی‌های کوچک امثال عمر بن عبدالعزیز حسابی باز نمی‌کند که در چشم شیعه حکومت حقه بسیار فراتر از جلوه‌های کوچکی از عدالت است که گاه در حق یکدیگر روا داشته‌ایم.

رجعت معصومین علیهم‌السلام از جمله رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی و امام حسین علیهما‌السلام یکی از نکاتی است که در روایات امام باقر علیه‌السلام به آن پرداخته شده است (ج۵، ۷ - ۱۴). در میان این منقولات، روایت عمرو بن ابی‌المقدام از جابر که در دو کتاب ***تفسیر عیاشی*** و ***اختصاص*** مفید وارد شده، مضمون غریب‌تری دارد (ج۵، ۹). روایت از ۱۹ سال حکومت قائم، پنجاه سال هرج و مرج پس از وفات او و سپس بازگشت امام حسین علیه‌السلام به دنیا و مطالبهٔ خون خود و اصحابش خبر می‌دهد و از خون‌ریزی وسیع آن حضرت که بدگمانی مردم و قیام عمومی علیه ایشان را

به دنبال دارد. امام حسین علیه‌السلام به حرم خدا پناه می‌برد و در فشار شدید می‌میرد. پس از مرگ حسین علیه‌السلام، علی علیه‌السلام خشمگین از آن‌چه با حسین علیه‌السلام کرده‌اند به دنیا بازگشته و تمام دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام را می‌کشد و بر تمام زمین حاکم می‌شود. حکومت او سیصد و نود سال به طول خواهد انجامید.

روایت عمرو بن ابی‌المقدام از جابر متن‌های متفاوتی دارد. در نقل ***غیبت نعمانی*** هیچ سخنی از سفاح و منصور یا منتصر و از تطبیق آن بر امام علی و امام حسین علیهما‌السلام نیست. شیخ طوسی نیز در کتاب ***غیبت*** به خروج منتصر و سفاح اشاره کرده، ولی از دو امام علیهما‌السلام نامی به میان نیاورده است. با توجه به فقدان سند در کتاب ***تفسیر عیاشی*** و همچنین معلوم نبودن مؤلف کتاب ***اختصاص*** نمی‌توان به این دو متن اعتماد کرد.

مضامین موجود در اضافات ***تفسیر عیاشی*** و ***اختصاص*** بسیار غریب است. این‌که پنجاه سال پس از رحلت قائم، حسین بن علی علیه‌السلام بازمی‌گردد و در چنین زمانی طالب خون خود و اصحابش می‌شود و این‌که چنان خون‌ریزی برپا می‌شود که همهٔ مردم علیه او قیام کرده و او را تا سرحد مرگ تحت فشار می‌گذارند، این‌که امام علی علیه‌السلام به انتقام خون او برمی‌خیزد و با این‌که دوره‌ای بسیار طولانی بر زمین حاکم می‌شود، همگی از غرایبی هستند که پذیرش آن‌ها دشوار است و کمتر مؤیدی نیز بر این مطالب می‌توان یافت.

آری، رجعت امام حسین علیه‌السلام در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام پیش‌بینی شده است (ج۵، ۱۳) اما این روایت از حکومت بسیار طولانی آن حضرت خبر می‌دهد که کاملاً با روایت ***عیاشی*** و ***اختصاص*** منافات دارد. افزون بر این، این روایت نیز در کتاب ***مختصر بصائر الدرجات*** وارد شده که در مقالات گذشته از ضعف بخشی از مندرجات آن سخن گفته شد.

۷. پس از مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

جهان پس از رحلت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف چگونه خواهد بود؟

این سؤالی است که در سخنان حضرت باقر علیه‌السلام پاسخی به آن نمی‌توان یافت، مگر در روایتی کوتاه که در آن به وجود قُوّام و جانشینانی برای امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اشاره شده است (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶: ۳۰).

در پایان، اشارهٔ مجدد به این نکته لازم است که از امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ معارف مهدوی، روایات تفسیری بسیاری به جا مانده است. در جلد هفتم کتاب ***معجم احادیث امام مهدی*** علیه‌السلام ۹۳ روایت تفسیری از حضرت باقر علیه‌السلام نقل شده که افزون بر آموزش معارف مهدوی، به ارائه مستندات قرآنی برای این آموزه‌ها پرداخته و شیوه‌های متفاوتی از استنباط و تفسیر را در اختیار

گذارده است.

نتیجه

عصر صادقین علیهما‌السلام فرصتی برای آموزش معارف دینی است که بخشی مهم از آن را معارف مهدوی تشکیل می‌دهد. آموزش این معارف به گونه‌ای است که روش‌های استنباط را نیز می‌آموزد، عمق تازه‌ای از معارف دینی را به مخاطبان معرفی می‌کند و همچنین شیعه را برای دشواری‌های عصر غیبت آماده می‌سازد. عصر امام باقر علیه‌السلام زمان آماده شدن برای تهدیدی از سوی یاران دیروز و قدرت‌طلبان امروز است که آماده‌اند با امید به منجی، برای خود پلکانی برای رسیدن به قدرت بسازند. آموزش‌های امام باقر علیه‌السلام به شیوه‌هایی ظریف، مخاطب را با علایمی آشنا می‌کند که منحرفان را در هر لباسی بشناسند و خود نیز گرفتار نشوند.

منابع

- ابن‌حبان، محمد بن حبان بن احمد، ***الثقات***، تحقیق: محمد عبدالعمید خان، حیدرآباد هند، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۳ق.
- ابن‌سعد، ابوعبدالله محمد، ***الطبقات الکبری***، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- ابن‌عدی، عبدالله، ***الکامل فی ضعفاء الرجال***، تحقیق و مقابله: سهیل زکار و یحیی مختار غزاوی، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
- ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، ***کامل الزیارات***، نجف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ش.
- اشتهاردی، علی‌پناه، ***مدارک العروة***، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
- اصفهانی، ابوالفرج، ***مقاتل الطالبیین***، قم، دارالکتاب، ۱۳۸۵ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ***المحاسن***، قم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ***انساب الاشراف***، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۴ق.
- حرّانی (ابن‌شعبه)، حسن بن علی، ***تحف العقول عن آل الرسول*** صلی‌الله‌علیه‌وآله، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، ***تاریخ بغداد***، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
- راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، ***الخرائج و الجرائح***، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ***التوحید***، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
- ـــــــــــــــــــــــ، ***کمال الدین و تمام النعمة***، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- ـــــــــــــــــــــــ، ***من لا یحضره الفقیه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، ***تهذیب الأحکام***، تحقیق: خرسان، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- ـــــــــــــــــــــــ، ***الغیبة للحجة***، قم، دار المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- عسقلانی (ابن‌حجر)، احمد بن علی بن حجر، ***تهذیب التهذیب***، بی‌جا، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- کشی، محمد بن عمر، ***رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)***، مشهد، مؤسسهٔ نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ***الکافی***، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، ***بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مروزی، نعیم بن حماد، ***کتاب الفتن***، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- مزی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف، ***تهذیب الکمال فی اسماء الرجال***، تحقیق: بشار عواد، بغداد، بی‌نا، ۱۴۰۶ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ***الإختصاص***، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ـ الف.
- ـــــــــــــــــــــــــ، ***الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد***، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ـ ب.
- مؤسسة المعارف الاسلامیة، ***معجم احادیث الامام المهدی***، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸ق.
- نسائی، احمد بن علی بن شعیب، ***کتاب الضعفاء و المتروکین***، تحقیق: محمود ابراهیم زائد، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ***کتاب الغیبة***، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، ***فرق الشیعة***، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴ق.